

«ایران و پارسیان» (۱)

بقلم آقای صدیق اعلم

[ایران دوست محترم آقای نریمان پارسی (از زردشتیان مقیم بمبئی) اخیراً کتابی در تحت عنوان فوق منتشر کرده اند. ما در پشت جلد شماره ۶ سطری چند در خصوص آن نوشتیم. اینک مقاله انتقادیه ای را که وعده داده بودیم ذیلاً درج میکنیم. علاقه نامی که ایران بیارسیان هندوستان دارد ما را وادار میکند که در این مجله از آنان بیشتر صحبت کنیم والبته خوشوقت خواهیم بود که آقای نریمان نیز پاره ای مقالات در زمینه مطالعات مفیده خود راجع بابران و پارسیان برای درج در مجله آینده بفرستند - آینده]

در تحت عنوان فوق کتابی بزبان انگلیسی اخیراً در بمبئی بطبع رسیده و یک نسخه آنرا برای مجله آینده فرستاده اند. گر چه کتاب مذکور بیش از ۹۸ صفحه و یک مقدمه یازده صفحه ای ندارد - ولی کمی وقت و شدت گرفتاری مانع شده است که با دقت نام آنرا تحت مطالعه در آورد. تذکرات آقای مدیر مجله مرا مجبور کرد که هر چه از کتاب مذکور میدانم بنویسم - خواه سطحی باشد خواه از روی تأمل و دقت. این کتاب در سلسله نشریات انجمن ایران بطبع رسیده و در دو جلد است. آن که در دست ما است جلد اول و جلد دوم در تحت طبع میباشد. انجمن ایران از یکعده از زردشتیان محترم بمبئی تشکیل شده و مؤلف کتاب آقای نریمان نایب رئیس آن انجمن میباشد. مؤلف محترم در مقدمه کتاب مقصود از این نشریات را این طور بیان می کنند:

« در این سلسله نشریات سعی شده است که دقت برادران مذهبی

من مخصوصاً به سستی اطلاعاتی که نسل بعد نسل بما رسیده است جلب بشود و همچنین بنکاتی که جهل و نخوت ما آنها را در سایر جمعیت های مذهبی (که از لحاظ ملیت یا نژاد با ما مربوطند) نواقص اجتماعی و اخلاقی و مذهبی نمایش میدهد « (ص X مقدمه) برای نیل باین مقصود آقای زیمان مهمترین فصول کتاب خود را از کتاب (دارمستتر) (۲) مستشرق مشهور فرانسوی و از کتاب (گولزیتزر) (۳) عالم بزرگ آلمانی ترجمه و نقل کرده اند و هر کس آشنا به کتب مستشرقین اروپائی است قطعاً این دو فصل را دیده است.

قسمتی که بقلم دارمستتر میباشد در تحت این عنوان است :
 « ایران - توصیف مختصر از لحاظ تاریخی و ادبی » که مؤلف اصلی یس از شرح ایران قبل از اسلام راجع بفتح عرب مینویسد :

« اگر با دقت زیاد تر بایران نظر افکنده شود می بینیم که عنصر ملی بیشتر در صورت ظاهر از بین رفته تا در باطن امر . مملکت ایران وقتی قید اجانب را بگرسن گرفت فاتحین خود را بیشتر تغییر داد تا نفس خویش را . ایران زندگانی و مذهب جدید خود را بر طبق عادات و سنن قدیمه خود ترتیب داد و بیجهت نیست که گفته اند که نسبت به کلیه عالم اسلام ایران در خارج واقع شده است . » (ص ۱۷)

درضمن تاریخچه تمدن خودوقتی دارمستتر بزمان جلال الدین رومی و شبستر می رسد و از اشعار متصوفین سخن میراند میگوید : « این اشعار موجب افتخار ایران و درعین حال علامت انحطاط آن میباشد ... »

بعضی نکات غلط در این فصل دیده می شود که مقتضی بود از طرف شخص ایران دوستی مثل آقای زیمان تصحیح بشود . در صفحه ۳۲ و ۳۳ نادرشاه یکی از قطاع الطرق ترك نژاد معرفی شده و خانواده

کریمخان زند از قبایل ترك بشمار رفته و در این ایام که تركها صحبت‌هایی میکنند تجدید طبع اینگونه سطور بدون اظهار عقیده برای مصلحت مملکت ایران نافع نیست .

فصل دوم کتاب چنانکه در فوق گفته شد بقدم گلزیهر آلمانی وعنوانش « نفوذ عقاید زردشتی در مذهب اسلام » است . همانطور که عنوان آن حاکی است مؤلف در این فصل اجمالاً بثبوت رسانده است که قسمتی از احادیث و آداب و رسوم وصنایع مسلمانان منشأ وماخذش در طریقت زردشت ودر ایران هخامنشی و ساسانی بوده است . مثلاً از قول « پلوشه » که یکی از محققین فرانسوی در تاریخ مذاهب است نقل میکند که مسئله براق یعنی اسب بالداری که حضرت رسول بر روی آن صعود فرمودند اصلاً از ایران اخذ شده است .

همینطور در زمینه کارهای فکری گلزیهر مینویسد : « بواسطه تماس دائم باتمدن ساسانیان بود که اعراب که فقط در شعر کار میکردند بطرف زندگانی ادبی عمیقی سوق داده شدند » (ص ۴۳) و برای مثال میگوید که عربها قبل از فتح ایران تاریخ نمی نوشتند واز سرگذشتهای سلاطین ایران تدوین تاریخ را آموختند .

خلفای عباسی همواره تقلید از پادشاهان ساسانی میکردند چنانکه خود را مانند ساسانیان رئیس مذهبی و از طرف خداوند میدانستند و محل اتکاء خود را مثل آنها بر حقایق خویش قرار میدادند . مسلمانان معتقد بوده و هستند که حکومت خوب حکومتی است که اصول آن بامذهب موافقت و مطابقت داشته باشد و در حقیقت حکومت و مذهب یکی است و مذهب حکومت ملت است . این اصول عیناً از کتاب (دینکرد) پهلوی است که در ایام اخیر دوره بارونق زردشتی تدوین یافته است .

برای تطبیق آداب و عقاید مسلمانان باز زردشتیان نویسنده فصل امثال متعدد

ذکر میکنند و نشان میدهد که آداب و عقایدی که از اسلام موجود است قبلاً در مذهب زردشت موجود بوده و همه اظهارات خود را مثنی باسناد و مدارک متقن مینماید. ما در اینجا فقط بشمردن آنها اکتفا میکنیم:

نجس دانستن بدن میت - نواب دانستن قرائت کتاب آسمانی - خواندن کتاب آسمانی پس از مرگ - سنجیدن اعمال خوب و بد انسان متوفی بوسیله میزان - وضو - غسل - استعمال مسواک و غیره و غیره. همینطور عدد ۳۳ که اهمیت نامی در طریقت زردشتی دارد در سنن و آداب اسلامی نیز قابل ملاحظه است: ۳۳ فرشته نواب انسانرا باآسمان میبرند - اوراد اغلب بعدد ۳۳ باید ذکر شود از قبیل ۳۳ تسبیح - ۳۳ تحمید ۳۳ تکبیر....

حتی راجع به نماز گلتزهر باستناد محققین اروپائی و مسلمان مینویسد که حضرت رسول در ابتدای طلوع اسلام دو نماز در روز برای مسلمانان معین فرمود سپس برای وسط روز هم نمازی تعیین کرد ولی پس از معاشرت مسلمین با زردشتیها - مسلمانان از آنها « پنجگانه » یعنی پنج مرتبه نماز در روز را اقتباس کردند.

پس از بیان اقتباساتی که مسلمانان از ایرانی ها کردند گلتزهر عکس العملی که پاره از آداب و عقاید زردشتی در مسلمانها تولید کرد ذکر میکنند مثلاً مینویسد که سگ زردشتیها حیوان محبوبی بود و نزد مسلمانان نیز مورد تفر نبود و در حیات حضرت رسول در مساجد داخل میشد ولی پس از فتح اعراب محبت زردشتیها نسبت به سگ عکس العملی در اعراب ایجاد کرد و آرا نجس و بد اعلام کردند.

در آخرین فصل آقای زبمان چند صفحه تخصیص داده اند به یاد داشت و تبصره هائی که راجع به نفوذ عقاید و آداب زردشتی در مذهب اسلام بنظر شان میرسیده در این چند صفحه اسامی غده زیادی از ایرانیان و اعقاب آنها را که بوسیله آن نفوذ بوده اند ذکر کرده اند

از قبیل اسمعیل بن یسار - شاپور الیروبه - ابو نوّاس - ابو الحسن مهیار بن مرزویه - ابو اسمعیل اصفهانی - رستم دمشقی - بهرامشاه بن فرخشاه سیبویه - بهزاد - بهمن بن فیروز الکسائی - طبری و غیره و غیره ... و بالاخره میگویند از ادبیّات عرب اگر آن قسمتی که بوسیله ایرانیها و ایرانی الاصل ها نوشته شده کنار بگذاریم چیز قابل ملاحظه ای که بان بشود افتخار کرد باقی نمی ماند

از صفحه ۷۵ تا ۸۳ مؤلف محترم کتاب باین سؤال جواب میدهد: کی آتشکده های ایران را خراب کرد؟ خلاصه مطالبی که نوشته اند این است که علت انهدام آتشکده ها تنها خشم و غضب مسلمانان نبود بلکه بی تعصّبی زردشتیها در این قضیه نیز بهمان اندازه دخیل بوده و بقول (کین) قسمت اعظم آتشکده های ایران بواسطه بیعلاقگی زردشتیان از بین رفت.

«روایات» عنوان قسمت آخر کتاب و بقلم آقای زریمان است. دوره روایات شامل چند قرن است و اطلاعات مفیدی راجع به زردشتیان ایران به خوانندگان میدهد.

این بود خلاصه ای از جلد اول کتاب «ایران و پارسیان». ما بانجمن ایران تبریک میگوئیم که شروع به نشر چنین کتبی نموده زیرا علاوه برآنکه حقایق را برای عموم زردشتیهای ایران و هندوستان روشن میسازد چون بزبان انگلیسی است ایرانرا بطرز نیکوئی بخارجه ها میشناساند. البتّه هر قدر ایرانیهای زردشتی ساکن هندوستان که بواسطه فقدان امنیت در ادوار سالفه از وطن اصلی خود مهاجرت کرده اند بهتر بحال مملکت خویش آگاه شوند وطن پرستی آنها زیاد تر شده و بیشتر و زودتر بطرف مرز و بوم حقیقی خود کشانده خواهند شد. و باین ملاحظه است که ما از آقای زریمان در تالیف این کتاب صمیمانه تشکر میکنیم.